



دیوانگان ثروت ساز

در

قطار کارآفرینی

دارن هاردی

مترجم: غزاله دلیریان



انتشارات نیک فرجام

Hardy, Darren	هاردی، دارن	سرشناسه
دیوانگان ثروت ساز/ دارن هاردی؛ مترجم غزاله دلیریان؛ ویراستار احمدرضا مفرح‌نژاد	عنوان و نام پدیدآور	
تهران: نیک فرجام، ۱۴۰۰	مشخصات نشر	
۲۳۱ ص	مشخصات ظاهری	
۹۷۸-۶۲۲-۲۵۸-۱۲۳-۷	شابک	
فیبا	وضعیت فهرست نویسی	
The entrepreneur roller coaster: why now is the time to jointheride, 2015	عنوان اصلی:	یادداشت
دیوانگان ثروت ساز: چگونه ترسیم و سوار قطار وحشت کارآفرینی شویم؟	عنوان دیگر	
شرکت‌های اقتصادی جدید - کارآفرینی - موفقیت در کسب و کار	موضوع	
دلیریان؛ غزاله، ۱۳۶۸ - مترجم	شناسه افزوده	
HD۶۲/۵	رده بندی کنگره	
۶۵۸/۱۱	رده بندی دیویی	
۷۵۷۸۵۴۷	شماره کتابشناسی ملی	

www.ketab.ir



انتشارات نیک فرجام

مرکز پخش: میدان انقلاب، خیابان

دانشگاه، کوچه رستمی، پلاک ۶

تلفن: ۶۶۴۹۵۸۸۷

۶۶۹۷۲۸۱۷

۶۶۹۵۲۳۱۵

♦ دیوانگان ثروت ساز

♦ نوشته‌ی دارن هاردی

♦ ترجمه‌ی غزاله دلیریان

♦ ناشر: انتشارات نیک فرجام

♦ نوبت چاپ: اول ۱۴۰۰

♦ تیراژ ۵۰۰ نسخه

♦ حروفنگاری: آبان گرافیک

♦ شابک: ۷-۱۲۳-۲۵۸-۶۲۲-۹۷۸

♦ قیمت: ۱۰۸۰۰۰ تومان

فهرست مطالب

در توصیف و تمجید از کتاب قطار کارآفرینی.....	۴
چگونه این کتاب را بخوانیم.....	۱۷
مقدمه.....	۱۹
فصل اول: قدی که احتیاج است.....	۳۲
فصل دوم: شانه بند ایمنی خود را محکم کنید.....	۵۷
فصل سوم: برای موتور سوخت گیری کنید.....	۷۸
فصل چهارم: صندلی های خالی را پر کنید.....	۱۱۰
فصل پنجم: صندلی جلو سوار شدن.....	۱۳۵
فصل ششم: سرعت را بالا ببرید.....	۱۵۹
فصل هفتم: دست های تان را به هوا ببرید.....	۱۸۷
فصل هشتم: به دور بین لبخند بزنید.....	۲۰۶
خاتمه.....	۲۲۳
کلام آخر.....	۲۲۹

مقدمه

باجه بلیت: سوار شدن یا نشدن

من در تابستان سال ۱۹۸۹، در سن هجده سالگی، کارآفرین شدم. اجازه بدین واضح بگویم: این اتفاق عمدی نبود. آن تابستان برای من همان طور که برای بسیاری از افراد هجده ساله شروع می‌شود شروع شد.

به تازگی دبیرستان را تمام کرده بودم و خود را برای چیزی که از من انتظار می‌رفت آماده می‌کردم که آن هم دانشگاه رفتن بود.

برنامه من - یا دقیق‌تر بگویم، برنامه پدرم برای من - گذراندن هشت سال در راهروهای تاریخی UCLA (دانشگاه کالیفرنیا، لس‌آنجلس) بود و بعد از آن درحالی که مدرک حقوق یا به تعبیر پدرم «برگ برنده زندگی‌ام» را در دستانتان تکان می‌دهم به بیرون قدم خواهم گذاشت.

این یک نقشه کاملاً ساده بود: مدرکم را می‌گیرم، یک کار عالی با حقوق عالی پیدا می‌کنم و در زندگی موفق می‌شوم.

(در واقع، پزشکی اولین انتخاب پدر من بود، اما پس از دیدن غش کردن‌های مکرر من با دیدن خون - چه خون خودم چه شخص دیگری - آن را در شماره دوم فهرستش قرار داد.)

در حقیقت، انجام کارها خارج از ساختار سنتی همیشه مورد توجه من بوده است. - همیشه برای پیشرفت در زندگی ایده‌های دیگری داشتم که کار برای شخص دیگری جزو آن‌ها نبود.